

جزوه

دیسلماسی اسلامی

(عملکرد دستگاه دیسلماسی در یک نظام اسلامی)

محسن مطلبی کر بکندی

در ذیل به برخی از نکات اشاره می گردد که توجه به آنان می تواند نگرشی ایجاد نماید برای فهم بهتر عملکرد دستگاه دیپلماسی.

نکته : صرفاً به برخی از مفاهیم اساسی و کلی پرداخته می شود و مرتبه ی بحث در حوزه ی نگرش ها می باشد که این بدین معناست که از ذکر جزئیات صرف نظر شده است .

۱- اسلامی مکتبی انسانی است، یعنی مبتنی بر پیشرفت انسان است نه تکنولوژی. (در برخی از احادیث وقتی برخی از مردم از معصومین سوالات فنی می پرسیدند، حضرات در جوابشان می فرمودند که ما برای این چیزها مبعوث نشده ایم. اینها موید حرف ما می باشند) اسلامی دین فیزیکی و حیوانی نیست، یعنی در عین اینکه مخالف پیشرفت فیزیک نیست، هدف اصلی را توسعه انسان قرار داده است.

۲- انسان نیز موجودی فطری با حیاتی حسی است. بدین معنا که رشد او در رشد عاطفه و احساس اوست. یعنی انسان موجود دارای حس است. رشد انسان بر معنای رشد حس های اوست. رشد این حس ها، به معنای اکتساب درونی علوم غیرفیزیکی است زیرا این احساس ها مادر علوم اند.

۳- قوانین و قواعد اسلام (قواعدی چون: توکل، توسل، تضرع، نیایش، تولی، تبری و ...) هم مبتنی بر انسان است (با توجه به اینکه انسان موجود دارای حس است). یعنی قوانینی است در راستای رشد احساس بشر. به همین علت اسلام خواندنی و دانستی نیست. عملکردی است. یعنی اعمال است. عمل به قوانین اسلام است که باعث رشد احساس می شود. قبول داشتن ازدواج و خواندن میلیاردها کتاب پیرامون حالات ازدواج به اندازه ی یک ماه و بلکه یک روز ازدواج نمی ارزد. هر چند ما نمی خواهیم داشتن اطلاعات را در موفقیت ازدواج رد نماییم. باید ازدواج کرد و آنرا حس کرد. به عبارتی دیگر خیلی از مکاتب دیگر (مکاتب ساخت بشر) که بیشتر به دنبال ساخت جامعه با برنامه ریزی های عمده ی غیر انسانی بوده اند و صرفا انسان را ابزاری در راستای رسیدن به آن مدینه ی فاضله می پندارند، این در حالی است که اسلام تاکیدش و اثرش در آن است که فرد در آن فضا قرار گیرد و با حس و تجربه آن فضا رشد کند.

۴- اما شاید این سوال ایجاد شود که شاید تمام فضاها برای بشر ایجاد نشود و بسترش مهیا نشود که فرد بتواند رشد کند. این دیگر دست بشر نیست. جواب آن است که دغدغه صحیحی است، به همین علت حق تعالی این را جزو ناموس خلقت قرار داده است: «تلك الايام نداولها بين الناس ...».

یعنی حق تعالی بستر را برای همه مهیا می دارد. آب هست، فقط باید در حالات مختلف شنا نمود تا ورزیده شد. مهم آن است که: شنا چیزی نیست که با خواندن کتاب درست شود، باید تن به آب زد.

۵- این نگاه اسلام در تمام شئون و ابعاد مختلفش از جمله سیاست و دیپلماسی آن جلوه دارد.

۶- در راستای توضیح آن بحثی که کردیم که زندگی بشر حسی است باید گفت که در قرآن آیه ای داریم با این عنوان : که زندگی آخرت دارای حیوان است (زندگی آخرت حیوان دارد). این واژه از واژه ی حی گرفته شده به معنای حیات. اما بر وزن فوران است یعنی بسیار حیات دارد یا به عبارتی دیگری حیاتی بسیار شدید دارد. اما حیات مادی که غلیان ندارد و فوران نمی کند. تنها حیاتی که دارای درجات کیفیتی در درون خود است حیات حسی است در حالی که حیات مادی به کیفیت بیرون و محیط خود وابسته است .

۷- سیاست خارجی نیز هدفش رشد انسان و رشد حس بشر است. در نگاه دیپلماسی برنامه ای مورد قبول است که ضمن حفظ اصل رشد بشر، اصول دیپلماتیک را رعایت کند. اسلام هرگز قائل به این نیست که اصول دیپلماتیک می توانند اصول اسلامی را قید زده و محدود نمایند. به طور مثال در دیپلماسی اسلامی جایی که امکان رشد حس بشر باشد شما باید به تکلیف اسلامی عمل نمایید و جایی که خیر، می توانید متناسب با مصلحت تصمیم گیری نمایید. عمل شما هر چند که شهادت در پی اش باشد، باعث رشد بشر شده است و ایرادی بر آن نیست. اصل دوم این است که شما حق ندارید بگویید من با رشد بشر کاری ندارم و برنامه ریزی می کنم و بعدا جواب خواهم داد. بحث سر مدیریت شما با طرف دیگر نیست که شما بگویید من غالب شده ام. به طور مثال چین فعلا دارد نور مخفی عمل می کند تا در وقتی که قدرتمند شد عرصه را از آمریکا پس بگیرد. آیا این روش صحیح است؟ خیر، در این استراتژی ها بشر رشد نمی کند. نه اینکه اصلا رشد نکند ، خیر در موضوع های مهم رشد ، خفه می ماند. ضمنا بعد از مدتی چین می شود آمریکای ثانی و آتش و همان کاسه دوباره. قبل آمریکا، شوروی آقای دنیا بود. قبل او دیگری. اسلام می گوید از مظلوم دفاع کن و بر ظالم بشور چه ابرقدرت باشی و چه غیر ابرقدرت (البت برخی از مصالح که خیلی زیاد نیستند و در حال حاضر شامل ما نمی شوند ، ناقض اند). این را اسلام می خواهد. شاید برسید که پس چرا امام حسن صلح کرد و امام حسین شوریید؟ خب اسلام می گوید اگر عملت اثر دارد ، عمل کن و عملت هم انسانی باشد و نه برنامه ای و بر اساس صرف برنامه ریزی مبتنی بر عقل بشر. یعنی با صرف حيله و دوز و کلک جایی را نگیر. نه تنها دوز و کلک بلکه صاف و صادق باش و پیچیده و عجیب برخورد نکن. امام حسن (ع) اگر در زمان خود شهید می شدند به عنوان جائر شناخته می شدند (پس شهادتشان اثری نداشت) ولی امام حسین (ع) برای رو کردن دست ظالم عمل کردند و شهید هم شناخته شدند و تا قرن ها اثر عملشان ماند. مشکل شهادت

نیست . اصلا در اسلام مهم نیست . مهم نیست که تازه نشان دهنده ی قبول شدن در یک امتحان است. در زمان دفاع مقدس هم این نبود که ما کشته ندهیم، خیر، بحث عمل به تکلیف بود. یعنی رشد جامعه بشری در بیان واضح هدف است ، در بیان بی شیله و پيله ی : لا حیات مع الظالمین الا براما. بیان اصل مقابله با زورگو. به عبارتی دیگر نطفه ی بیداری اسلامی در دفاع مقدس بنا نهاده شد و نطفه ی ظهور در دفاع مظلومانه مردم یمن در حال انعقاد است. حضرت هم که بیایند یکی از مهمترین ویژگی یارانشان و شاید بتوان گفت مهمترین تمایز میان یاران و مخالفان داخلی ایشان همین است که عده ای قیام را در آن شرایط جایز نمی بینند . برعکس بسیاری از نگاه های غلط که فکر می کنند حضرت زمان ظهور می کنند که با یک نور جهان گرفته می شود . اینکه می گویند بزرگترین مانع عده ای از روحانی نما ها هستند این است که با دغدغه ی زنده نگهداشتن اسلام حرف می زنند در حالی که حرفشان خلاف صریح اصول خداوند است. خدا آنرا از بشر نخواسته است. اینطور نیست که امام حسین با خود بگویند اول می روم و شاگرد تربیت می کنم، بعد امکانات را تهیه می کنم بعد می آیم و یزید را زمین می زنم،خیر. اثر این عمل انقلابی را نیز حق تعالی خود تضمین کرده اند . او که خالق فرمولاسیون بشر است ، راه تهییج و فهم بشر را بهتر از همه کس می داند. خیلی از راه ها را نیز تعالی دهنده ی حس بشر نمی داند بلکه صرفا می تواند موجی ایجاد کند.

۸- نکته ی دیگر آنکه در تمام علوم اسلامی، نگاه توحیدی به شدت جلوه دارد.

به طور مثال در علوم اسلامی ، منبع اثر را حقیقتا خالق می دانیم.
به طور مثال در علوم اسلامی، قواعد غیرمادی (معنوی) را کارآتر و مافوق اصول مادی می بینیم.
این به عنوان یک اصل است و نه یک خواسته و آمال و آرزو. یعنی حقیقتا اثر محاسبه شده ی عمل معنوی را از لحاظ ریاضی نیز بالاتر می بینیم.
شاید کسی که مادی می نگرد، دیپلماسی اسلامی را زیر سوال ببرد. لیکن حق تعالی فرموده اند که اگر چه کنی من خودم چه می کنم. وقتی اثر در عالم معنویات است و ظاهرش در عالم مادیات، پس ما می رویم سراغ همان قول حق تعالی تا اثر برنامه ریزی ها و عالم مواد.